

[مختار مرحوم آقای خویی ره 1](#_Toc508555154)

[تداخل در جنایت واحد و عدم تداخل در ضربات متعدد 1](#_Toc508555155)

[عدم اختصاص روایات به فرض توالی ضربات 2](#_Toc508555156)

[اشکال: عدم استقرار تعارض بین روایات؛ تقدیم نص بر ظاهر 2](#_Toc508555157)

[مختار در مسأله تداخل دیات و قصاص 3](#_Toc508555158)

[فرض اول: جنایت واحد؛ تداخل 3](#_Toc508555159)

[فرض دوم: ضربات متعدد؛ جنایت واحد؛ تداخل 3](#_Toc508555160)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت ششم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در باب تداخل یا عدم تداخل دیات و قصاص طرف در نفس جریان داشت و بعد از بیان کلمات اصحاب، نوبت به بیان مختار خواهد رسید.

مختار مرحوم آقای خویی ره

تداخل در جنایت واحد و عدم تداخل در ضربات متعدد

حاصل مختار مرحوم آقای خویی قدس سره نسبت به تداخل جنایات در بحث قصاص این گونه شد که اگر جنایت واحد باشد تداخل مسلم است ولی اگر این جنایات، به ضربات متعدد بود؛ چه با تفرق زمانی و چه در صورت توالی ضربات تداخل منتفی است.

و همان طوری که گذشت، به نظر ایشان تنها تفاوتی که در موارد تعدد ضربه وجود دارد، تفاوت در دلیل است، به این معنا که در موارد متفرق، مقتضای قاعده عدم تداخل است و این مقتضی و مفاد، منافی و معارض ندارد، اما نسبت به فرض توالی ضربات در این صورت، قاعده مقتضای سابق را دارد، ولی روایت ابی عبیده دال بر تداخل است و در مقابل این روایت، دو روایت دیگر وجود دارد؛ یعنی، صحیحه محمد بن قیس و حفص البختری، که دال بر عدم تداخل است.

نسبت به فرمایش ایشان در مقام دو نکته وجود دارد، که باید بیان شود.

عدم اختصاص روایات به فرض توالی ضربات

اولین نکته ای که در مورد فرمایش ایشان، قابل بیان است، این است که روایت حفص و محمد بن قیس و ابی عبیده در مقام، بر اساس بیان ایشان، ناظر به فرض توالی ضربات است، در حالی که تعبیر موجود در این روایات فی حد نفسه؛ «ضربة بعد ضربة» یا «واحدة بعد واحد»، تاب حمل معنای اعم از توالی را دارد؛ چرا که یک بعدیت به معنای تلو است و یکی به معنای هم عرض بودن، اعم از اینکه همزمان باشد یا اینکه ضربه دوم با فصل زمانی وارد شود، و از آن جا که در روایات مقام، معینی بر معنای اخص وجود ندارد، نمی توان مفاد و مدلول آن را به موردی خاص اختصاص داد. لذا باید از ایشان سؤال کرد که چه قرینه ای وجود دارد بر اینکه بعدیت در این روایات، مربوط به فرض توالی باشد؟ و حتی چه دلیلی وجود دارد که ایشان تفرق در روایت محمد بن قیس را به معنای تباعد ندانسته است و آن را در مقابل ضربه واحد فرض نموده است تا مربوط به فرض اتصال و توالی شود.

بنابراین، جا دارد که حتی در فرض تفرق ضربات که مقتضای قاعده عدم تداخل است هم در کنار این مقتضی به این روایت نیز استدلال شود.

اشکال: عدم استقرار تعارض بین روایات؛ تقدیم نص بر ظاهر

دومین نکته ای هم که در مورد فرمایش مرحوم آقای خویی ره به نظر می رسد، این است که بین صحیحه ابی عبیده و طایفه دوم که صحیحه حفص و محمد بن قیس است، تعارضی مُحَکَّم و مستقر نیست؛ چرا که طبق صناعت یک طایفه بر طایفه دیگر مقدم است؛ به این بیان که دلالت صحاح حفص و محمد بن قیس بر عدم تداخل در موارد تعدد ضربات، صریح است و نصوصیت دارد، در حالی که در روایت ابی عبیده، صراحتی در نفی قصاص طرف وجود ندارد و فقط از اطلاق ثبوت قصاص در نفس و حکم به طرح و ترک قصاص طرف، می توان به نوعی نهی از قصاص طرف را برداشت نمود، لذا بر اساس صناعت اصولی، نص دال بر عدم تداخل که در دو روایت حفص و محمد بن قیس وجود دارد، مقدم بر نهی ظاهری از قصاص طرف در روایت ابی عبیده می شود و از باب جمع بین نص و ظاهر، حکم به کراهت قصاص طرف در این موارد می شود و در نتیجه تعارض مستقری در مقام وجود ندارد تا نوبت به فرمایش مرحوم آقای خویی قدس سره برسد. مثل اینکه در مواردی که یک دلیل به صراحت دال بر ترخیص در ترک فعلی است، و دلیل دیگری به ظهور امر به این فعل می کند، طبق قاعده و صناعت، حکم به استحباب فعل می شود و کما اینکه در اشتراک جماعتی بر قتل یک نفر، بر اساس نص دلیل، حکم به قصاص جمیع می شود، اما در یک روایت، از قصاص جمیع نهی شده است و حتی قصاص بیش از یک نفر، در حکم اسراف در قتل به شمار آمده است، که در این موارد همان گونه که گذشت، حکم به کراهت قصاص جمیع می شود.

###### مختار در مسأله تداخل دیات و قصاص

فرض اول: جنایت واحد؛ تداخل

بعد از بیان فرمایشات اصحاب در مقام، نوبت به بیان مختار در مسأله تداخل دیات و قصاص می رسد، که در اولین فرض، یعنی جایی که جنایت واحدی واقع شده است؛ شکی در تداخل دیه و قصاص طرف در دیه و قصاص نفس نیست، کما اینکه مرحوم محقق قدس سره نیز بعد از آن که در تعدد ضرب، تفصیل مرحوم شیخ در نهایه را قائل شده است، صورت سرایت جنایت را خارج نموده است،[[1]](#footnote-1) لذا حق این است که در این فرض شکی در تداخل نیست.

بنابراین، جنایت واحدی که تأثیر مستقیم در طرف و تأثیر سرایی در قتل دارد، موجب تداخل دیه و قصاص طرف در نفس می شود، بدون اینکه فرقی بین فرض وقوع این جنایت به واسطه ضربات متعدد یا واحد وجود داشته باشد؛ چرا که مقتضای اطلاق مقامی ادله دیه و قصاص نفس این گونه است.

فرض دوم: ضربات متعدد؛ جنایت واحد؛ تداخل

در فرض دوم، یعنی جایی که ضربات متعدد، منجر به جنایت واحد شده اند هم فرقی با فرض قبل ندارد، و علاوه بر مقتضای قاعده (اطلاقات ادله قصاص و دیه نفس)، صحیحه ابی عبیده نیز بر این امر دلالت دارد؛ «فَإِنْ ضَرَبَهُ عَشْرَ ضَرَبَاتٍ فَجَنَيْنَ جِنَايَةً وَاحِدَةً أَلْزَمْتُهُ تِلْكَ الْجِنَايَةَ الَّتِي جَنَيْنَهَا الْعَشْرُ ضَرَبَا»، و تنها جنایت اغلظ، قصاص و دیه خواهد داشت.

اما از آن جا که مدرک حکم فوق در مقام، اطلاق مقامی ادله است، و از طرفی در اطلاق مقامی می بایست به قدر متیقن اکتفا نمود؛ نسبت به شمول این اطلاق نسبت به موردی که فصل کثیری بین ضربات واقع شود؛ شبهه وجود دارد و روایت ابی عبیده نیز بر اساس استظهار مرحوم آقای خویی ره مربوط به فرض توالی است، لذا در موارد وجود فصل کثیر بین ضربات، قابل تمسک نیست.[[2]](#footnote-2)

1. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص187.](http://lib.eshia.ir/71613/4/187/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص24.](http://lib.eshia.ir/71334/42/24/) [↑](#footnote-ref-2)